

پایان نامه



فرم تعهد دانشجویان در قبال نتایج حاصل از پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب: سیدمحمدحسین تقوی اقدم دانشجوی ورودی: ۹۴ مقطع: کارشناسی ارشد

رشته: حقوق گرایش: خصوصی

که موضوع پایان نامه ام تحت عنوان: تحلیل فقهی و حقوقی قاعده عدالت

در شورای گروه تخصصی به تصویب رسیده، متعهد می گردم:

الف) کلیه مطالب و مندرجات پایان نامه بر اساس اصول علمی و حاصل از تحقیقات خودم تهیه شود و در صورت استفاده از مطالب، نتایج تحقیقات، نقل قولها، جداول و نمودارهای دیگران در پایان نامه، منابع و ماخذ آن به نحوی که قابل تشخیص و تفکیک از متن اصلی باشد قید گردد.

ب) در صورتیکه از نتایج تحقیقاتم علاوه بر پایان نامه، کتاب، مقاله، اختراع، اکتشاف و هر گونه تولیدات علمی حاصل شود، صرفاً بنام دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس بوده و این موضوع صراحتاً در مکاتبات و تولیدات اینجانب درج و بر اساس ضوابط دانشگاه اقدام نمایم.

ج) در صورت استفاده از کمکهای مالی و غیر مالی نهادهای دولتی و غیر دولتی از موضوع تحقیق اینجانب مراتب را کتباً به دانشکده اطلاع دهم در غیر اینصورت دانشکده مجاز به تغییر عنوان پایان نامه یا سایر اقدامات حقوقی می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: سیدمحمدحسین تقوی اقدم

تاریخ و امضاء



معاونت پژوهش و فن آوری

به نام خدا

مشور اخلاق پژوهش

بیاری از خداوند بجهان و اعتماد به این که عالم محضر خداست و به پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظر به اهمیت جایگاه دانشگاه در اعلامی فرهنگ و تمدن بشری، ماد انجمن و اعضاء بهیات علمی واحد های دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

- ۱- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از حرکت پنهان سازی حقیقت.
- ۲- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهیدگان (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۳- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه بکاران پژوهش.
- ۴- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن همیشه و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.
- ۵- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از حرکت جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال تجیزات و منابع در اختیار.
- ۶- اصل رازداری: تعهد به مینت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان و کشور و کلیه افراد و نهادهای مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب تقد و خودداری از حرکت حرمت شکنی.
- ۸- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اسامه نتایج تحقیقات و انتقال آن به بکاران علمی و دانشمندان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۹- اصل برانست: التزام به برانست جویی از حرکت رقرار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به مثابه های غیر علمی می آلائند.



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد شهر قدس

دانشکده علوم انسانی - گروه حقوق

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته حقوق گرایش خصوصی

عنوان:

تحلیل فقهی و حقوقی قاعده عدالت

استاد راهنما:

آقای دکتر ابوالفضل احمدزاده

نگارنده:

سید محمد حسین تقوی اقدم

پائیز ۹۷



واحد شهر قدس

فرم تأییدیه هیأت داوران

با یاری خداوند متعال جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد آقای سید محمد حسین تقوی اقدم در رشته حقوق خصوصی با عنوان: تحلیل فقهی و حقوقی قاعده عدالت با حضور اساتید راهنما، مشاور و هیأت داوران در تاریخ ۱۳۹۷/۰۹/۲۵ ساعت ۱۱ در محل سالن دفاع دانشکده (علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی و کشاورزی) دانشکده علوم انسانی برگزار و با کسب نمره ۱۸ و درجه خوب مورد تصویب قرار گرفت. *در ضمن اینجانب متعهد می شوم که تمامی اصلاحات پایان نامه را تحت نظر اساتید راهنما و مشاور بطور کامل انجام داده ام و در صورت عدم رعایت و صحت و سقم این موضوع در هر زمان (حتی بعد از صادر شدن مدرک فارغ التحصیلی)، دانشگاه می تواند طبق مقررات و ضوابط مربوطه با اینجانب برخورد نماید.

نام و نام خانوادگی: سید محمد حسین تقوی اقدم	تاریخ و امضاء:.....	دانشجو
نام و نام خانوادگی: دکتر ابوالفضل احمد زاده پایان نامه مورد تأیید اینجانب می باشد.	تاریخ و امضاء:.....	استاد/ اساتید راهنما
نام و نام خانوادگی: دکتر علیرضا مظلوم رهنی اصلاحات مورد نظر، انجام شده است.	تاریخ و امضاء:.....	داور ۱
نام و نام خانوادگی: دکتر حسین منوری اصلاحات مورد نظر، انجام شده است.	تاریخ و امضاء:.....	داور ۲
نام و نام خانوادگی: دکتر علیرضا مظلوم رهنی موارد فوق مورد تأیید اینجانب می باشد.	تاریخ و امضاء:.....	مدیر گروه آموزشی

تقدیم:

این پایان نامه را در کمال افتخار و امتنان تقدیم می نمایم:
به ساحت مقدس امیرالمؤمنین، حضرت علی علیه السلام، اسوه عدل و عدالت،
روح پرفتح پدر بزرگواری که با غیرت خود الفبای زندگی را به من آموخت،
مادر عزیزم به پاس همه مهربانیها و صبوریش در سالهای اسارت،
و همسر مهربانم که مشوق اصلی ام در این مسیر بوده است.

تشکر و سپاس

سپاس بی کران پروردگار یکتا را که هستی مان بخشید و به طریق علم و دانش رهنمونمان شد و به همنشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود و خوشه چینی از علم و معرفت را روزیمان ساخت.

سپاس خدای را که هر چه دارم از اوست.

به امید آنکه توفیق یابم جز در خدمت به خلق او نکوشم.

بر خود لازم می دانم از استاد راهنمای بزرگوایم جناب آقای دکتر ابوالفضل احمدزاده که بدون شک انجام این پایان نامه بدون کمک و راهنمایی‌های ارزنده ایشان امکان پذیر نبوده است، تقدیر و تشکر نمایم.

همچنین از داوران گرامی جناب آقایان دکتر حسین منوری و دکتر علیرضا مظلوم رهنی که زحمت داوری و تصحیح این پایان نامه را به عهده داشتند کمال سپاس و امتنان را دارم.

و در پایان از کلیه عزیزانی که در طول نگارش این پایان نامه اینجانب را یاری کرده‌اند کمال تشکر و قدردانی را ابراز می‌نمایم.

۱	چکیده
۲	مقدمه
۲	طرح مسئله
۳	اهمیت و ضرورت تحقیق
۴	پیشینه تحقیق
۷	سؤالات اصلی تحقیق
۸	فرضیه‌های تحقیق
۸	روش شناسی تحقیق
۸	ساختار تحقیق
۱۱	فصل اول- مفاهیم و کلیات
۱۱	مبحث اول- عدالت در لغت و اصطلاح
۱۲	گفتار اول- لغت شناسی عدالت
۱۳	گفتار دوم- اصطلاح شناسی عدالت
۱۷	بند اول- عدالت در فقه اسلامی
۱۸	الف- فقه امامیه
۲۴	ب- فقه اهل سنت
۲۷	بند دوم- عدالت در حقوق ایران
۲۷	الف- دیدگاه های حقوقدانان معاصر
۲۹	ب- دیدگاه و رویکرد قانونگذار ایرانی
۳۱	مبحث دوم- قاعده در لغت و اصطلاح
۳۲	گفتار اول- قاعده در لغت
۳۳	گفتار دوم- قاعده در اصطلاح
۳۵	بند اول- قاعده در فقه اسلامی
۳۷	الف- فقه امامیه
۴۲	ب- فقه اهل سنت
۴۵	بند دوم- قاعده در حقوق ایران
۶۱	فصل دوم- بررسی فقهی قاعده عدالت
۶۱	مبحث اول- ادله اثبات قاعده عدالت
۶۲	گفتار اول- قرآن
۶۵	گفتار دوم- سنت
۷۰	گفتار سوم- اجماع

۷۱	گفتار چهارم- عقل
۷۴	مبحث دوم- نسبت قاعده عدالت با قواعد فقهی دیگر
۷۵	گفتار اول- قاعده لاضرر
۷۸	گفتار دوم- قاعده عدل و انصاف
۸۱	گفتار سوم- قاعده قرعه
۸۳	گفتار چهارم- قاعده غرور
۸۵	مبحث سوم- اشکالات وارده به قاعده عدالت
۸۸	مبحث چهارم- موارد استفاده قاعده عدالت در متون فقهی و فتاوی فقها
۹۵	فصل سوم- عدالت در نظام حقوقی ایران
۹۶	مبحث اول- تاریخچه عدالت در حقوق
۹۷	مبحث دوم- تفاوت عدالت و انصاف
۱۰۱	مبحث سوم- قلمرو حقوق و عدالت
۱۰۳	مبحث چهارم- جایگاه عدالت در نظام حقوقی ایران
۱۰۴	گفتار اول- عدالت در قانون اساسی
۱۰۷	گفتار دوم- عدالت در سایر قوانین موضوعه
۱۱۰	مبحث پنجم- بررسی حقوقی عدالت
۱۱۰	گفتار اول- عرف
۱۱۳	گفتار دوم- رویه قضایی
۱۱۶	گفتار سوم- دکترین
۱۱۷	مبحث ششم- دیدگاه‌های حقوقدانان در خصوص قاعده عدالت و موارد استفاده از قاعده عدالت در حقوق موضوعه ایران
۱۲۴	نتیجه
۱۳۳	منابع و ماخذ
۱۳۳	*منابع فارسی
۱۳۸	*منابع عربی
۱۴۱	*منابع اینترنتی

فهرست علائم اختصاری نگارشی

ق.م.....	قانون مدنی
ق.آ.د.م.....	قانون آیین دادرسی مدنی
ق.آ.د.ک.....	قانون آیین دادرسی کیفری
ق.ت.....	قانون تجارت
ه.ق.....	هجری قمری
ج.....	جلد
ش.....	شماره
ص.....	صفحه
ع.....	علیه السلام

چکیده

در پیچ و خم مناسبات اجتماعی در روزگار حاضر، برای برپایی حکومتی اسلامی و بدست گرفتن مدیریت جامعه و دولت توسط فقه پویا، نیاز به یک مدل فقهی برای این مهم بسیار احساس می شود. امروزه تلاش های فقهی گسترده ای برای پر کردن خلاء موجود در فقه سنتی صورت گرفته است تا بتوان به فقهی کارآمد و پرتوان در عرصه حکومتمداری رسید. فقهی که قواعد جدید آن می تواند در سیاست، اقتصاد و قضا کارگشا باشد.

در سالهای اخیر، عدالت به عنوان یک قاعده فقهی فراگیر، دستمایه برخی پژوهشگران عرصه فقه شده است تا ضمن پویایی بخشیدن به فقه، چالش های فراروی اجرای احکام را برطرف نمایند. پژوهشگران عرصه فقه با نگاه جدید به عدالت و کاربرد آن در ابواب مختلف فقه، بر این هدف هستند که از عدالت قاعده ای فقهی بنا نموده و ضمن ساماندهی استنباط احکام شرعی براساس آن، این قاعده را در روش های کنونی اصول فقه نیز وارد نمایند.

در تحقیق حاضر بدنبال پاسخ به این دو پرسش اصلی هستیم که آیا می توان عدالت را در فقه بعنوان یک قاعده فقهی به منظور شناخت حکم شرعی به شمار آورد؟ و اینکه آیا حقوقدانان در موارد سکوت، نقص و تعارض قوانین می توانند به قاعده عدالت استناد کنند؟

سؤالات فرعی دیگر که ذیل دو پرسش اصلی فوق به آن پرداخته می شود عبارت است از اینکه در حقوق موضوعه ایران در چه مواردی به قاعده عدالت ارجاع شده است؟ ادله اعتبار قاعده عدالت چیست؟ ارتباط قاعده عدالت با قاعده عدل و انصاف کدام است؟ همچنین چه عواملی سبب می شود که یک حکم در زمانی عادلانه و در زمانی دیگر ظالمانه به شمار آید؟

به منظور پاسخ به پرسشهای مذکور، ضمن بررسی مفاهیم عدالت و قاعده در لغت و اصطلاح، قاعده عدالت را از منظر فقهی و با ادله قرآن، سنت، اجماع و عقل اثبات می کنیم. در ادامه نسبت قاعده عدالت با سایر قواعد فقهی نظیر قاعده لاضرر، قاعده عدل و انصاف، قاعده قرعه و قاعده غرور مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. در پایان نیز ضمن بررسی قاعده عدالت در نظام حقوقی ایران، به دیدگاههای حقوقدانان ایرانی در خصوص قاعده عدالت اشاره شده و موارد استفاده از قاعده عدالت در حقوق موضوعه ایران آورده می شود.

واژگان کلیدی: عدالت، تحلیل فقهی و حقوقی، حقوق موضوعه، قاعده عدالت

طرح مسئله

از منظر علم کلام، افعال خداوند متعال با توجه به اطلاق وصف عدل در حوزه تکوین، تشریح و جزا بر مبنای عدل است. عدل الهی در حوزه تشریح اقتضا می کند همه احکام صادر شده از سوی خداوند متعال بر مبنای عدالت سامان یافته باشد و هیچ حکمی ظالمانه نباشد. برخی اندیشمندان معتقدند فقیه در استنباط حکم شرعی می تواند با شاقول عدل و ظلم، و تشخیص مصادیق آن به وجوب و حرمت فتوا دهد. از این موضوع به قاعده عدالت یا نفی ظلم تعبیر می شود. در فقه پیشینه چندانانی از این قاعده و با این عنوان نداریم و قاعده بودن آن را معاصران مطرح کرده اند.

قواعد فقهی نشانه قاعده مند بودن علم فقه و وجود یک نظام در حقوق اسلامی است. در واقع می توان گفت که قواعد فقهی نمودار نظام مندی علم فقه است.^۱ از نخستین کسانی که در دوره معاصر از عدالت به عنوان قاعده یاد کرده است، استاد شهید مرتضی مطهری است. ایشان معتقد است اصل عدالت از مقیاس های اسلام است که باید دید چه چیزی بر او منطبق می شود. عدالت در سلسله علل احکام است نه در سلسله معلولات. نه این است که آن چه دین گفت عدل است، بلکه آنچه عدل است دین می گوید.^۲

ادله بسیاری از آیات و روایات درباره قاعده عدالت در جهت عادلانه بودن و نیز نفی ظالمانه بودن احکام الهی در مقام ثبوت و اثبات اقامه شده است. همچنین در روایات متعددی سختی و مشقت و حرج از احکام دینی نفی شده است. در واقع می توان گفت چهار قاعده مشهور لاضرر، عدل و انصاف، قرعه و غرور مصادیقی از قاعده عدالت بشمار می روند. در قاعده لاضرر میان مصادیق ضرر محرم و عنوان ظلم همپوشانی وجود دارد و در تشخیص مصادیق ضرر محرم باید از انطباق عنوان ظلم بهره جست. قاعده عدل و انصاف همان قاعده عدالت در شبهات موضوعیه حق و مال است. قاعده قرعه از مصادیق قاعده عدالت است که کاربرد آن تحقق عدل و استیفای حق به صاحبان آن است. ادله اثبات کننده قاعده غرور نیز همان ادله ای است که در قاعده عدالت استفاده می شود.

^۱ وزیر، مجید، روش شناسی کشف قواعد فقهی در فقه امامیه، سال چهارم، شماره ۱۲، فصلنامه فقه و مبانی حقوقی، ۱۳۸۷، ص ۱۲.

^۲ مطهری، مرتضی، بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، نشر حکمت، ۱۴۰۳، ص ۱۴.

اصل عدالت با همه اهمیت آن، در فقه ما مورد غفلت واقع شده است و در حالی که از آیاتی چون «بالوالدین احساناً»^۱ و «اوفوا بالعقود»^۲، عموماتی در فقه بدست آمده است، ولی با این همه تأکیدی که قرآن کریم بر مسئله عدالت اجتماعی دارد مع هذا یک قاعده و اصل عام در فقه از آن استنباط نشده است و این مطلب سبب رکود تفکر اجتماعی فقهای ما گردیده است.^۳ این در حالی است که روش فقها، عقل، آیات قرآن، سنت معصومین (ع)، سیره خردمندان، همه و همه، عدالت را بعنوان «قاعده» ای برتر تأیید می‌کنند، قاعده ای که می‌توان آن را «ام القواعد» نام نهاد.

طرح عدالت به مثابه قاعده ای که برای اثبات حکم شرعی توسط فقیه بکار آید در دوره معاصر بر پایه عدالت در تشریح صورت پذیرفته است و سابقه قابل توجهی از آن در کتب فقهی یافت نمی‌شود. مهمترین مسئله در قاعده عدالت که پایه آن از سوی اکثر فقهای معاصر پذیرفته شده است، چگونگی تطبیق عدالت بر مصادیق و گستره بهره‌گیری از قاعده عدالت در اثبات احکام شرعی است. دغدغه بسیاری از فقها در عدم کارایی این قاعده، عدم انضباط فهم بشری در مصادیق عدالت و متغیر بودن آن است که به تبع، موجب تغییر و عدم اثبات احکام شرعی می‌شود. بنابر جریان قاعده در موارد منصوص باچالش افزون‌تری روبرو هستیم و آن نسبت قاعده با مواردی است که نص بر خلاف داریم.

اهمیت و ضرورت تحقیق

سرعت تحولات و شتاب دگرگونی‌ها، نیازها و ضرورت‌هایی را موجب شده است. روزگاری که تنها پاسخ گفتن و یا صدور فتوی هرگز راهگشا و مجاب‌کننده نیست، پاسخ‌ها باید متناسب و هم‌تراز با پرسش‌ها باشد بلکه باید شروط و شرایط سرعت و دقت در آنها ملحوظ شود. افزون بر این لازم است در چارچوب اصول و مبانی برترین، سهل‌الوصول‌ترین، عادلانه‌ترین، عاقلانه‌ترین، کارآمدترین و قابل‌اجراترین پاسخ‌ها ارائه شود و تنها در چنین صورت و قالب‌هایی است که می‌توان در میدان رقابت و نبرد عقاید و فرهنگ‌ها پیروز و سربلند برآمد.

^۱ سوره نساء، آیه ۳۶.

^۲ سوره مائده، آیه ۱.

^۳ مطهری، مرتضی، پیشین، ص ۲۷.

در عصر حاضر که فرهنگ های بیگانه هر دم با توجیه مبانی خود، برخی از احکام اسلام را ظالمانه معرفی کرده و با معیارهای خود برای ما فرهنگ سازی می کنند، مجال بحث از قاعده عدالت رونق تازه ای یافته است.

علاوه بر کمبود منابع در زمینه پژوهش پیرامون عدالت در قامت یک قاعده فقهی و حقوقی، عوامل متعدد دیگری نیز باعث دشواری بحث از قاعده عدالت شده است. این عوامل عبارتند از:

۱- گستره عدل و ظلم، همه احکام مربوط به اجتماعیات اسلام را در بر می گیرد. خوف اینکه باز شدن مسیر قاعده عدالت در فقه، فقه موجود را متحول و به فقه جدیدی تبدیل کند این مصلحت را تداعی می کند که اصلاً این مسیر از ابتدا باز نگردد.

۲- مباحث مربوط به عدالت بسیار متعدد، در هم تنیده و اختلافی است. این مباحث آنقدر مجمل است که اگرچه همه مکاتب در کلیات آن مشترکند ولی با هر قدم بسوی جزئیات، اختلافات متعدد خود را نشان می دهد. این مسئله باعث سهل ممتنع بودن عدالت شده است.

۳- طرح ایده های جدید در حوزه حقوق با مشکلاتی مواجه است. از جمله اینکه بسیاری از این ایده ها بیشتر صبغه سیاسی داشته و با بهره برداری های سیاسی و گاه تبلیغاتی صبغه علمی آن کم رنگ تر شده است. این مسئله جو حاکم بر اینگونه مباحث را با نوعی دفاع از پیش داوری شده آمیخته کرده است. همچنین از جمله این مشکلات، فقدان ساز و کارهای مناسب طرح ایده های جدید است.

قاعده عدالت بر خلاف اکثر قواعد فقهی اختصاص به یک یا چند باب خاص نداشته و در اکثر ابواب در فقه جریان دارد. این قاعده به جهت آنکه در کتب متقدمین از فقها مطرح نبوده است لذا کمتر به آن پرداخته شده و زوایای آن روشن نشده است. ابهامات و شبهات جدی در تطبیق این قاعده ضرورت پرداختن به آن را موجب می شود. اما از حیث نتایج مترتب بر این قاعده اهمیت طرح آن دو چندان است و توسعه شمول جریان آن موجب تحولی بزرگ در فرآیند اجتهاد و استنباط می گردد.

پیشینه تحقیق

هرچند آثار مستقل چندانی در زمینه قاعده عدالت نگاشته نشده است، اما در سالهای اخیر با طرح مستقل موضوع قاعده عدالت در مجامع علمی چندین اثر در قالب کتاب، پایان نامه و مقاله در این زمینه به رشته تحریر درآمده است که می تواند در راستای موضوع مورد بحث بکار گرفته شود.

کتاب «قاعده عدالت در فقه امامیه» که پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی در بهار ۱۳۸۷ اقدام به انتشار آن کرده است، مجموعه ای است مشتمل بر گفتگو با شخصیت هایی چون آیت الله صانعی و حجج الاسلام شهیدی، مبلغی، شرکت توسلی، مجتهد شبستری. در مقدمه این کتاب به کوشش حجت الاسلام علی اکبریان گفتگوها جمع بندی و مبانی طرح در قالب چهار فصل کلیات، مبانی قاعده عدالت، ثبات و تغییر مصادیق عدالت و ظلم و ادله نظریات سه گانه در قاعده عدالت تبیین شده است. لازم به ذکر است که از مجموعه این گفتگو سه دیدگاه نظریه غیرفقهی عدالت، نظریه فقهی عدالت عرفی و نظریه فقهی عدالت واقعی استخراج گردیده است. به جهت آنکه مطالب این کتاب در قالب گفتگو مطرح شده است لذا مباحث از انسجام کاملی برخوردار نمی باشد ضمن اینکه در حوزه ادله قاعده عدالت بررسی تفصیلی صورت نگرفته است.

از دیگر کتب در این زمینه کتاب «عدالت به مثابه قاعده همراه قواعد لاضرر، لاجرح، عدل وانصاف و...» به همت آقای سید محمد اصغری است. این کتاب از چهار بخش عمده تشکیل شده است که تنها دو بخش ابتدایی آن در معرفی مفهوم و ماهیت عدالت در مکاتب مختلف و دلایل و مدارک این قاعده در فقه امامیه است. در این دو بخش ضمن بیان مفاهیم مرتبط با عدالت، همچون انصاف، از عدالت ترمیمی و نقش آن در مناسبات اجتماعی نیز سخن گفته شده است. دو بخش انتهایی این کتاب نیز به بررسی دیگر قواعد فقهی از جمله قاعده لاضرر اختصاص دارد.

کتاب «عدالت و عقلانیت در فقه حقوق» نوشته دکتر سیدمحمد اصغری، در سال ۱۳۸۶ توسط انتشارات اطلاعات منتشر شده است. بخش مبسوطی از این کتاب به بحث عدالت در اندیشه سیاسی غرب و اندیشه فقهی حقوقی اسلامی و مقایسه این دو اختصاص دارد.

همچنین کتاب «قاعده فقهی عدالت» که توسط آقای علی الهی خراسانی و با تقریظ آیت الله سیدمحمد مهدی موسوی خلخالی تدوین شده است را می توان از دیگر کتب در این عرصه به حساب آورد. این کتاب بیش از آن که به بررسی عدالت به عنوان قاعده فقهی بپردازد، تطبیقات این اصل در تقسیم حقوق را که از آن به عنوان قاعده عدل وانصاف تعبیر می شود مورد بررسی قرار داده است گرچه به نکات مهمی پیرامون عدالت به عنوان شاخص در اجرای احکام و اداره حکومت اسلامی نیز اشاره کرده است.

مقاله «عدالت به مثابه قاعده فقهی» آقای مهدی مهریزی نیز یکی از مهمترین تلاش‌هایی است که در راستای قاعده مند سازی مفهوم عدالت در فقه انجام شده است. در این مقاله ابتدا به معانی دقیق‌تر و نوبی از قاعده فقهی اشاره شده است، سپس برخی از کاربردهای این قاعده را در فقه شیعه به طور خلاصه بیان کرده است.

مقاله «مقایسه قاعده عدالت با قاعده لاضرر»، عنوان گفتگوی تنی چند از محققان پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی با حجت الاسلام محمدتقی شهیدی از اساتید درس خارج حوزه علمیه قم است که در شماره ۵۶ نشریه فقه در پاییز ۱۳۸۷ منتشر شده است. در این مصاحبه بیش از آنکه به نسبت میان قاعده عدالت و لاضرر پرداخته شود، چگونگی کشف مصادیق عدل و ظلم مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

«قاعده فقهی عدل و انصاف در فقه اسلامی و بررسی تطبیقی آن در نظام حقوقی کامن‌لا» عنوان رساله کارشناسی ارشد آقای محمدجواد اکبری است که در سال ۱۳۸۷ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران از آن دفاع شده است. این رساله در سه فصل نگاشته شده است. فصل اول: مفهوم لغوی و اصطلاحی عدالت، فصل دوم: بررسی قاعده عدالت و انصاف و فصل سوم: انصاف در نظام حقوقی کامن‌لا را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. نتیجه اصلی در این پایان‌نامه، اثبات قاعده ایست جدید به نام عدالت و انصاف و نتیجه مهم دیگر آن که در بخش تطبیقی بدست می‌آید اثبات این مطلب است که نظام حقوقی اسلام در بیان مبانی حقوقی پیشرفته تر می‌باشد.

«اعتبار و قلمرو قاعده عدالت در فقه از منظر کتاب و سنت» عنوان رساله دکتری آقای سید محمود صادق زاده طباطبایی است که در سال ۱۳۹۱ در رشته مدرسی معارف اسلامی دانشگاه قرآن و حدیث از آن دفاع شده است. این رساله در سه بخش و در پی پاسخگویی به سه سؤال اصلی در زمینه اعتبار و قلمرو قاعده عدالت نگاشته شده است. بخش اول: اعتبار قاعده عدالت، بخش دوم: تحلیل مفهوم عدالت و مرجع تشخیص مصادیق آن، بخش سوم: قلمرو قاعده عدالت. اولین سؤال اصلی رساله در بخش اول مورد بررسی قرار می‌گیرد. اینکه ادله قاعده عدالت در کتاب و سنت چیست؟ در پاسخ به این سؤال تمامی ادله قرآنی و روایی این قاعده جمع‌آوری و بررسی شده است. بخش دوم پاسخ به این سؤال است که مفهوم عدالت

چیست و مرجع تشخیص مصادیق آن کدام است؟ در این بخش اثبات شده که اولاً عدالت مفهومی واقعی است نه اعتباری و ثانیاً مفهومی غیرشرعی است یعنی مقصود شارع از عدالت معنای خاص و ویژه ای جز آنچه بشر فهم می‌کند نبوده است. در بخش سوم و پایانی رساله تحت عنوان قلمرو عدالت، تلاش شده است تا به این سؤال پاسخ داده شود که قلمرو قاعده عدالت کجاست؟

البته اکثر این آثار قاعده عدالت را از منظر فقه مورد بحث و بررسی قرار داده اند و کمتر به جایگاه قاعده عدالت در حقوق موضوعه ایران پرداخته شده است که این موضوع را می‌توان یکی از جنبه های نوآوری پایان نامه حاضر دانست. شاید بتوان گفت مزیت پژوهش حاضر آن است که در مقایسه با دیگر منابع پیرامون این موضوع، بررسی تطبیقی این قاعده در حقوق موضوعه ایران هدف اصلی این مطالعه قرار گرفته است. در این پژوهش سعی شده است تا با استفاده از دیگر منابع این موضوع، تحقیقی وسیع تر انجام شود. همچنین از اشتباه دیگر کتب در خلط مباحث عدل و انصاف و قاعده عدالت جلوگیری گردد.

سؤالات اصلی تحقیق

سؤال اصلی در این پژوهش آن است که آیا می‌توان عدالت را در فقه بعنوان یک قاعده فقهی به منظور شناخت حکم شرعی به شمار آورد؟

سؤالات فرعی در ذیل این سؤال عبارتند از اینکه ادله اعتبار قاعده عدالت چیست؟ و ارتباط قاعده عدالت با قاعده عدل و انصاف کدام است؟

سؤال اصلی دوم این است که آیا حقوقدان در موارد سکوت، نقص و تعارض قوانین می‌تواند به قاعده عدالت استناد کند؟

سؤالات فرعی در ذیل پرسش دوم عبارتند از اینکه در حقوق موضوعه ایران در چه مواردی به قاعده عدالت ارجاع شده است؟ و چه عواملی سبب می‌شود که یک حکم در زمانی عادلانه و در زمانی دیگر ظالمانه به شمار آید؟

فرضیه‌های تحقیق

- فقها در برخی موارد خطابهای شرعی را که به گونه ای عام یا مطلق وارد شده اند، برای رفع و دفع ظلم، مطلق را مقید کرده اند، و بدین گونه براساس قاعده عدالت عمل نموده اند.
- گستره اجرای قاعده عدالت زمانی مجاز و صحیح است که موردی از موارد سکوت، نقص و تعارض قوانین، اتفاق افتاده باشد.

روش شناسی تحقیق

به دلیل اینکه روش تحقیق در علم حقوق بر پایه تحلیل های حقوقی و توصیف پدیده های حقوقی استوار است، روش این تحقیق هم از نوع توصیفی -تحلیلی می باشد و برای گردآوری ادبیات موضوع، از روش مطالعه کتابخانه ای استفاده شده است.

ساختار تحقیق

تحقیقات و مطالعات انجام شده در این پایان نامه در سه فصل به شرح ذیل تنظیم گردیده است. فصل اول به بیان مفاهیم بنیادین تحقیق از جمله عدالت و قاعده از منظر فقه و حقوق می پردازد. به عنوان نخستین گام پژوهش، تبیین مفاهیم اصلی امری ضروری می باشد. عدالت را از زوایای گوناگونی می توان نگاه کرد. عدالت در آفرینش، که به آن عدالت تکوینی گفته می شود. عدالت در قانون گذاری که عدالت تشریحی نام دارد. عدالت در برابری همگان در اجرای قانون که عدالت صوری خوانده می شود و عدالت در فرد که یک صفت نفسانی است. عدالتی که در این پژوهش مد نظر است نوع خاصی از عدالت تشریحی می باشد.

قواعد فقهی در عصر حاضر به شکلی گسترده در فضای فقه اسلامی مطرح شده و مورد بررسیهای عمیق درون فرقه ای یا تطبیقی قرار می گیرد. قاعده فقهی همانند قاعده اصولی نیست که ابزار کار مجتهد یا حقوقدان باشد و تنها فقها و دانشوران فقه و حقوق بتوانند از آن قواعد بهره ببرند. قاعده فقهی بیانگر احکام و دستورات شرعی و قانونی هستند، و نه تنها مجتهد که مقلد هم می تواند از یک قاعده فقهی استفاده کند و در موارد متنوع و متعددی، مصادیق قاعده را مشخص و حکم آن را استخراج نماید.

در واقع قاعده چراغی است که تاریکی‌ها و تیرگی‌های طریق دشوار شناخت و اجرای عدالت را می‌سترد و در تنگناهای ضیق و ظلم، راه را بر فقیه و حقوقدان و قاضی و دادرس و وکیل و مشاور و مجری می‌گشاید و به گشودن معضلات فقهی و حقوقی رهنمون می‌شود.

فصل دوم قاعده عدالت را از دیدگاه فقه مورد بحث و بررسی قرار داده است. در بررسی عدالت به عنوان قاعده فقهی، تلقی رایج از واژه «قاعده» ملاک و منظور نیست. بلکه در این تلقی، قاعده فقهی میزان و معیار استنباط است و مجتهد بر مدار محور این قاعده استنباط و استخراج حکم را محک می‌زند. در این برداشت، عدالت در حقیقت میزان و ترازویی است که نه تنها به عنوان یکی از قواعد فقه، بلکه به عنوان چراغ و معیاری است که سایر قواعد مانند لاضرر، لاجرح، درأ و حتی عرفهای عام و بنائات عقلایی هم در پرتو آن محک می‌خورند و میزان و معیار بودن خود را از آن ثقل می‌گیرند. ثقلی که همراه با توحید، پیرامون دو ثقل اکبر یعنی «کتاب و عترت»، در کلام شیعی مکانت و منزلت شگفتی یافته است. در این فصل، عدالت در همان معنی برتر و جامع به مثابه میزان، معیار و به عنوان قاعده فقهی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در فصل سوم، به بررسی قاعده عدالت در حقوق موضوعه ایران پرداخته می‌شود. عدالت یکی از پایه‌های اصلی اسلام است. بنابر دستورات اسلام با هیچ کس نباید برخلاف عدالت و شئون انسانیت رفتار کرد و نسبت به هیچ فردی نباید ظلم و تعدی نمود. همچنین قضاوت بین مردم باید براساس عدالت، حق، انصاف و وجدان باشد. این دستور شامل عدالت اجتماعی و حکومت و قضاوت و حکمیت و همچنین اصول مربوط به دادرسی است. تظلم خواهی در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است و رعایت عدالت و بی‌طرفی در قضاوت میان مردم لازم است.

چون با پیروزی انقلاب اسلامی، شرع در قالب قوانین و مقررات مصوب مجالس قانونگذاری به منصفه ظهور رسیده است، عدالت عبارت است از هرچه منطبق بر قانون نظام اسلامی باشد. البته این امر که ملاک عدالت قانون است به معنای انطباق با پوزیتیویسم حقوقی نیست، بلکه در نظام جمهوری اسلامی ایران، شاهد تلفیق و امتزاج حقوق طبیعی و پوزیتیویسم حقوقی با معانی مدنظر و خاص خود هستیم؛ تلفیقی که خود زمینه ساز شکل‌گیری نوع جدیدی از نظام حقوقی شده است.

و در پایان نتیجه‌گیری آورده شده است.

فصل اول